

متن پرسش

باسمه تبارک و تعالی سلام علیکم: طلبه جوانی هستم که چند سالی در حوزه نفس کشیده و رفت و آمد کردم. در این سالها به لطف خدا پایه های درسی را طی کرده و دروس سطح را به پایان رساندم. علاقه و ارادت شدیدی به امامین انقلاب سلام الله علیهما دارم و سالهاست که سیر مطالعاتی خود را بر محور منظومه فکری آن دو حکیم بصیر تنظیم کردم. علاقه زیادی به مطالعه و درس و تبلیغ باعث شده تا امروز و در سن ۳۲ سالگی علیرغم داشتن یک رزومه علمی پژوهشی و تبلیغی قابل توجه چون دستم از پول خالی است و دستاورد مالی نداشته و اولیات اقدام برای ازدواج در شرایط فعلی جامعه را ندارم خانواده (پدر و مادر) ضمن فاصله گرفتن از حوزه و نظام، به شدت و از سر خیرخواهی بر خروج بنده از حوزه و رفتن به خدمت سربازی و نهایتا ورود به یک شغل و حرفه برای کسب درآمد تاکید می کنند. از آن استاد عزیز تقاضامندم حقیر را در موارد زیر آگاه کرده و راهنمایی بفرمایید ۱. خروج از طلبگی مصداق گناه کبیره تعرب بعد الهجره است؟ ۲. چگونه والدینم را اقناع کنم که هم به هدف برسم هم ادب و احترام مراعات گردد و هم در طلبگی بمانم؟ ۳. برای امرار معاش طلابی که وضع زندگی شان از زهد نیز فراتر رفته و روی زهد را سفید کرده و در عین حال به کلاس و درس و بحث و تبلیغ علاقمند هستند چه راهکاری پیشنهاد می کنید؟ دعاگویم و محتاج دعا.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر بتوانید با حوصله و خوشرویی مسیر طلبگی را حفظ کنید، بهتر است. ولی هیچ وقت خروج از طلبگی به معنای گناه نیست، چه رسد به گناه کبیره! تصور بنده آن است که خود خداوند آنچه رزق ما است به وقتش می‌رساند مشروط بر صداقت و تواضع. موفق باشید